

اقتصاد و معیشت در سال 95 به روایت مردم

بررسی وضعیت معیشت جامعه در یک سال اخیر از نگاه مردم و مقایسه آن با وعده‌ها و عملکرد دولت در سه سال گذشته نشان از بدتر شدن وضعیت اقتصاد کشور در یک سال گذشته دارد.



بررسی وضعیت معیشت جامعه در یک سال اخیر از نگاه مردم و مقایسه آن با وعده‌ها و عملکرد دولت در سه سال گذشته نشان از بدتر شدن وضعیت اقتصاد کشور در یک سال گذشته دارد. روزهای پایانی دی و ماه امسال رئیس‌جمهور در سخنرانی خود با اعلام چندباره خروج از رکود و ورود به دوره رونق، از کسانی که این رونق را نمی‌بینند خواست تا عینک بزنند! این سخن نه فقط برای ما به عنوان خبرنگار، بلکه برای کارشناسان و متخصصان و البته آحاد جامعه نیز تعجب‌آور و دور از منطق اقتصادی می‌نمود. با این حال بر آن شدیم با «عینک کارشناسی» نگاهی به عملکرد دولت در حوزه اقتصاد بیاندازیم. به همین منظور اواسط بهمن ماه به سراغ شهرک‌های صنعتی رفتیم تا وضعیت آنها را از زبان خودشان بشنویم. با این وجود نتیجه آن شد که تولیدکنندگان شهرک‌های صنعتی با اشاره به تعمیق رکود طی دولت روحانی، اعلام کردند با هیچ عینکی نمی‌توان رونق را دید.

در ادامه و با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال و در حالی که انتظار می‌رفت دولت یازدهم با ارائه کارنامه عملکرد خود در زمینه اقتصاد و بویژه نحوه و میزان اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، از کارهای انجام شده دفاع و از کاستی‌ها عذرخواهی کند، مسئولان ارشد دولت به روال ماه‌ها و سال‌های اخیر، با فرار رو به جلو نه تنها به عذرخواهی از محضر ملت تن ندادند که همچون چهار سال گذشته یا مشکلات را به گردن دولت قبل انداختند و یا مدعی شدند عملکرد آنان در این حوزه موفقیت آمیز بوده است. به همین منظور و در راستای بررسی کارنامه اقتصادی دولت در سال جاری، این بار برای کسب اطلاع از نظر مردم و کسبه، راهی بازار شدیم. قبل از حرکت، با جستجویی در فضای مجازی، وعده‌های رئیس‌جمهور محترم را در ایام انتخابات مرور کردیم تا نمای بهتری از آنچه قرار بود برای مردم در دولت یازدهم رقم بخورد با آنچه حاصل شد به دست آید. در این بین تسنیم در گزارشی، چند صد مورد از وعده‌های روحانی را در آن زمان جمع‌آوری کرده است که بیش از 150 مورد آن اقتصادی است. «دولت تدبیر و امید نخواهد گذاشت این همه جوان بیکار در مقابل خانواده و فرزندان شرمند باشند»؛ «اساس برنامه اقتصادی من بر دو محور تولید ثروت ملی و توزیع عادلانه ثروت استوار است»؛ «یکی از راه‌های مهار و کنترل تورم هدایت نقدینگی به سمت تولید است»؛ «در کنار هدایت نقدینگی به سمت تولید باید با فساد و رانت‌خواری مبارزه کنیم چرا که بدون آن تولید رونق نخواهد یافت»؛ «... در حالی که این حرف‌ها را در ذهن مرور می‌کردیم، راهی حوالی خیابان جمهوری شدیم. مقصد اول ما کوچه برلن بود.

کاهش 48 درصدی فروش

با محمد، جوان فروشنده و تولیدکننده پوشاک، که خارج از مغازه ایستاده بود وارد گفتگو شدیم. محمد به ما گفت: در دوره‌های اخیر تورم زیاد بود. در سال‌های اخیر تورم نبوده و گران تر نشده است، اما حالا مشتری نداریم. مردم حتی روی هزار تومان هم چانه می‌زنند و واقعا ندارند. تعداد مشتری‌ها نیز خیلی کمتر شده است. در ادامه آمار تکان‌دهنده‌های ما داد «ما آمار فروش دقیق داریم که در کامپیوتر ثبت می‌کنیم. سال گذشته از اول تا 17 اسفند ماه 2 هزار و 500 تکه پوشاک فروختیم، اما امسال در همین مدت تنها هزار و 300 تکه فروخته‌ایم، یعنی فروشمان نصف شده است. تا حالا سابقه نداشته که این قدر تعداد خریدها کم شود».

او درباره وضعیت قاچاق هم گفت: امسال یک ذره به قاچاق فشار آوردند اما باز هم همه جوهره وارد شد. من شاید آخرین مغازه‌ای بودم که وارد فروش جنس چینی و ترکیه‌ای شدم. تا یکسال پیش همه اجناس ما ایرانی بود و در برابر جنس خارجی واقعا ایستادگی کردیم، اما نشد ادامه بدهیم.

این فروشنده جوان درباره وضع تولیدی و زحمت‌های ایرانی هم اظهار کرد: خیلی زحمت‌ها مانند من حاضر نیستند کارگر اضافه کنند چون از عهده هزینه آن بر نمی‌آیند. تولید در چین راه افتاده چون همه جوره از تولیدکننده حمایت کرده‌اند ولی در کشور ما از تولیدکننده اصلاً حمایت نمی‌شود.

با این حرف‌ها به یاد سخنان جهانگیری افتادم که گفته بود در «دولت قبل»؛ شغل ایجاد شده، اما برای کارگر چینی!

محمد این طور ادامه می‌دهد: قبلاً شب عید اصلاً این طور نبود. 10 سال پیش برای اینکه از سر خیابان لاله زار به مغازه (کوچه برلن) برسیم، از شدت ازدحام جمعیت 45 دقیقه طول می‌کشید، درست مثل لحظه‌ای که از استادیوم آزادی خارج می‌شویم! اما الان می‌توان در آستانه عید در کوچه گل‌زحمت‌ها بازی کرد! قدرت خریدمان کم شده

از او خداحافظی کرده و بلافاصله با خانمی که به همراه فرزند کوچکش برای خرید آمده بودند برخورد کردیم. درباره وضعیت قیمت‌ها و قدرت خرید مردم از او می‌پرسم، جواب می‌دهد: پولی در دستمان نداریم. این خریدی که انجام می‌دهیم از روی ناچاری است چون بچه باید لباس بپوشد. امسال اصلاً بازار خوب نیست. قدرت خریدمان نسبت به یکی دو سال گذشته خیلی ضعیف‌تر شده است. کاملاً از وضعیت بازار پیداست.

می‌گویم جنس‌ها بیشتر ایرانی است یا خارجی؟ پاسخ می‌دهد: بیشتر خارجی است. اصلاً ایرانی پیدا نمی‌شود و اگر به زور پیدا شود، بسیار گران است. تأیید می‌کند که با این وضعیت کارگاه‌های تولیدی ایرانی کم‌کم در حال تعطیلی هستند.

پارسال بهتر از امسال

از کنار او و فرزند کوچکش عبور می‌کنیم و سر صحبت را با جوان فروشنده‌ای که در غیاب صاحب کار خود کفش می‌فروخت باز می‌کنیم. درباره وضعیت خرید مردم می‌گوید: پارسال بهتر از امسال بود، سال به سال بدتر می‌شود. مردم فقط قیمت می‌پرسند و می‌روند.

در حین گفت‌وگو صاحبکارش از راه می‌رسد. پیرمرد می‌گوید که تولیدکننده هم هست و می‌افزاید: برای اینکه از وضعیت بازار مطلع شوید کافی است یک ساعت کنار ما بایستید. از رونق کالای خارجی گلایه می‌کند و می‌گوید که همه دنبال جنس خارجی هستند.

می‌گوید من تولیدکننده کفش هستم و قاعدتاً باید مغازه داران کفش را از من بخرند و بفروشند، اما کسی خرید نمی‌کند و ناچارم خودم کالایم را بفروشم. چک‌هایمان برگشت خورده و ناچار شده‌ام به همراه زن و بچه ام در کنار خیابان تولیدمان را بفروشیم.

چرخ اقتصاد نمی‌چرخد!

پیرمرد تأکید می‌کند: کسی خرید نمی‌کند. اگر اقتصاد بچرخد باید فروش من بیشتر شود اما من با حدود 10 میلیون کالایی که برای فروش گذاشته‌ام روزانه حدود 200 تا 300 هزار تومان می‌فروشم. واقعیت این است که چرخ کارمان نمی‌چرخد و بلکه بدتر می‌چرخد. این در شرایطی است که قیمت اجناس ما از خیلی جاهای دیگر ارزان‌تر است، ولی بازار نیست.

تعداد کارگران ما 7 تا 8 نفر بود ولی حالا تنها سه نفر هستیم. سرمایه و پول می‌خواهد. کارگر مزد می‌خواهد که از عهده ما بر نمی‌آید.

در ادامه مسیر زن و شوهر جوانی را می‌بینیم که فعلاً در حال برانداز اجناس و قیمت‌ها هستند. آقا دوزنده شلوار است و آگاهی نسبتاً خوبی از وضعیت بازار پوشاک دارد. معتقد است که نه فروشنده راضی است و نه خریدار. سه چهار سال پیش دست مردم پر بود اما الان دست مردم خالی است.

می‌گوید: در کارگاهی که ما کار می‌کنیم، درآمد ثابت مانده اما تورم هست و قیمت‌ها افزایش یافته است. به گفته وزارت کار، درآمد کارگر ساده 812 هزار تومان است اما درآمد زیر 2 میلیون تومان زیر خط فقر محسوب می‌شود و ادامه می‌دهد: تورم پایین است اما اینطور نیست. اگر قیمت برخی کالاها را در ماه‌های گذشته مقایسه کنیم تورم بالاتری نشان خواهد داد.

در مسیر بازار به مردی برمی‌خوریم که همراه خانواده‌اش برای خرید آمده است. دو فرزند کوچک دارد. دخترکی بسیار بازیگوش و پسری که کمی آرام‌تر است. بعد از کمی گفت‌وگو درباره وضعیت قیمت‌ها متوجه می‌شویم که آقای مقدسی، یک کارگر ساختمانی است. درباره وضعیت کارگران ساختمانی از او می‌پرسم، می‌گوید: اوضاع ساخت و ساز حدود سه تا چهار سالی می‌شود که خراب است. کارم‌چکاری ساختمان است ولی با توجه شرایط بازار ساخت و ساز برای تأمین نیازهای خانواده ناچار هستم مسافرت‌های کنم.

از او هم خداحافظی می‌کنیم و در مسیر بازگشت به روزنامه در حالی که از کنار مغازه‌های پرنور لوسترفروشی لاله زار عبور می‌کنیم، دو مغازه‌دار کهنه‌کار توجه ما را جلب می‌کنند. وارد مغازه می‌شویم و با آنها و جوانی که همکارشان است هم‌کلام می‌شویم.

از وضعیت بازار می‌پرسیم، فردی که مسن‌تر از بقیه است در پاسخ می‌گوید: هر سال بدتر می‌شود.

واردات به جای تولید

آقای حاج قاسم ادامه می‌دهد: همه کسانی که در کار تولید لوستر بوده‌اند بیکار شده‌اند و سراغ واردات از چین رفته‌اند. تولید برای آنها به صرفه نبوده و به سراغ واسطه‌گری رفته‌اند. وی با بیان اینکه از سال 60 در این شغل هستم، افزود: زمان جنگ هم با همه هزینه‌ها و مشکلات اوضاع از شرایط فعلی بهتر بود و مردم شرایط بهتری داشتند.

او معتقد است: تا تولید داخلی راه نیفتد و جلوی واردات از چین و سایر کشورها گرفته نشود هیچ‌وقت رشد نخواهیم کرد. چینی‌ها به کارگر و سرمایه‌گذار خود اهمیت می‌دهند و به آنها تسهیلات ارائه می‌کنند اما در کشور ما این طور نیست.

چشم دولت به درآمد گمرکی

این فروشنده لوازم روشنایی می‌افزاید: اگر دروازه واردات را ببندند مردم خودشان تولید می‌کنند. ولی دولت به درآمد گمرکی خود از واردات فکر می‌کند و به فکر مردم نیست. مردم خودمان باید کار داشته باشند، در حالی که اگر شما همه اجناس را از خارج وارد کنید پس مردم خودمان باید چه کار کنند. هر ارگانی به فکر درآمد خود است.

وی درباره رانت‌هایی که به برخی افراد برای واردات و ... داده می‌شود هم گفت که ما دزدهای کوچک را می‌گیریم اما به اصلی‌ها کاری نداریم!

این بازاری قدیمی درباره وضعیت اشتغال جوانان در کشور هم به ما گفت: پسر من در زمینه پتروشیمی مدرک فوق لیسانس دارد اما عملاً حقوق یک کارگر ساده را می‌گیرد. وقتی کار نباشد ناچار هستی به هر شرایطی تن بدهی. باید کارها متناسب با توانایی‌ها باشد اما هیچ کس در جای خودش قرار ندارد. یک جوان که فقط دانش علمی دارد نمی‌تواند خودش کارخانه تأسیس کند نیاز به سرمایه دارد. باید زنجیره کامل شود و دولت هم وظیفه‌اش را انجام دهد.

از این چند نفر هم خداحافظی کرده و راهی محل کارمان می‌شویم با انبوهی از سوالات و نگرانی‌ها از وضعیت معیشت مردم. و باز هم سخنان رئیس جمهور در سال 92 در ذهنمان مرور می‌شود که «ما برای اشتغال یک برنامه جدی خواهیم داشت و من جدی‌ترین برنامه اقتصادی ام در ماه‌های اول حل معضل اشتغال است و مخصوصاً برای آنهایی که تحصیل کرده دانشگاه‌ها هستند و وقتی این مشکل حل شد خود به خود ما می‌توانیم دانشجویان تحصیل‌کرده خارج از کشور را هم به داخل کشور جذب کنیم و استفاده بکنیم».